

احمد رضا بسپج
 سردبیر فصل نامه‌ی اندیشه و
 مدرس معارف اسلامی شهرکرد

نماز و نقش آن در طهارت روح

نماز جامع

مراتب کمالیه است.

هرچند در آداب و اذکار

ظاهر، نماز همگان

یکی است، اما در

باطن، نماز هرکس خاص

خود اوست؛ که: «الطرق الی الله

بعدد انفس الخلائق.»

نماز دارای مراتب و مقاماتی است که در هر مرتبه

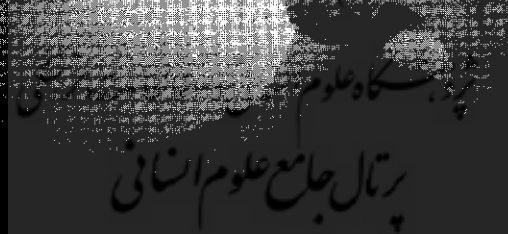
نماز با مرتبه‌ی قبل فرق دارد. وقتی صورت نماز رو به قبله‌ی ظاهری

است و روی جسم به سوی کعبه، باید باطن نماز رو به صاحب کعبه باشد و روی دل به سمت خدای دل. پس رسیدن به قله‌ی رفیع

و ثمین یقین، هرچند دشوار است. لیکن امری است ممکن الوصول و لازم الحصول تا آدمی به غایت عبادت و بلکه به غایت

آفرینش خود برسد و در جوار رحمت حق و با به عبارت دیگر در جوار حضرت حق، به جاودانگی، جمال و کمال ابدی دست یابد.

اسلام آوردن، پایین‌ترین درجه‌ی کمال است و بعد از آن ایمان است و سپس تقوا و درنهایت یقین.



نماز عصاره‌ی اسفار اربعه است

اهل معرفت و عرفان مراتب سلوک قلبی و شهود باطنی را در قالب چهار سفر می‌پیمایند که بیان آن‌ها به قرار زیر است:

۱. سفر من الخلق الی الحق: سالک عارف می‌کوشد تا از طبیعت جسم و ماده عبور کند و عوالم برزخ و مثال را نیز پشت سر بگذارد تا به ذات حق واصل شود و حجابی میان او و خدا نباشد.

۲. سفر بالحق فی الحق: در این سفر، سالک پس از شناخت ذات حق، با استعانت از او به شناخت کمالات و اسما و صفات خدا می‌پردازد.

۳. سفر من الحق الی الحق بالحق: در این مرحله، عارف به میان خلق باز می‌گردد. اکنون او ذات حق را با همه چیز و در همه چیز می‌بیند. و در قرآن کریم است که: «فاینما تولوا فثم وجه الله» [بقره/۱۱۵]: به هر کجا روی آورید، همان جا روی خداست.

۴. سفر فی الخلق بالحق: در این سیر، عارف به هدایت مردم و کمک به آن‌ها می‌پردازد تا آنان را نیز در رسیدن به اصل خویش و وصل حق، یاری دهد. نماز جامع مراتب ذکر شده‌ی عارفانه است و در

حقیقت، سیر مراحل چهارگانه و حتی کمترین مرتبه از سفر اول نیز، بدون استعانت از نماز میسر هیچ کسی نبوده و نیست. به همین دلیل است که نماز بر پیامبران گذشته نیز که سالک برخی مراتب کمال و واجد مراتبی از عروج بودند، واجب بود.

آن‌جا که عارف از خلق به حق می‌رود، به مقام ملکوت راه می‌یابد و سپس عقول را پشت سر می‌نهد تا به ذات می‌رسد، در واقع از کثرت به وحدت بار می‌یابد. و آن‌جا که به خاطر خصیصه و ویژگی بشری‌اش به زندگی مادی و گذران جسمانی می‌پردازد، از وحدت به کثرت باز می‌آید. و نماز نیز چنین است. چرا که گاهی افعال و اذکار نماز از کثرت به وحدت است، مانند: «الحمد لله»؛ گاه در همان وحدت است، مانند: «رب العالمین، الرحمن الرحیم، مالک يوم الدين»؛ گاه از وحدت به کثرت است، مانند: «ایاک نعبد و ایاک نستعین»؛ گاه با حفظ وحدت در کثرت است، مانند: «اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین».

هم چنین تبت کردن، سفر اول است و در اوصاف خدا تأمل نمودن و قرائت کردن و به رکوع و سجده رفتن، سفر دوم است. آن‌گاه به رسالت پیامبر شهادت دادن، سفر سوم و به همه‌ی بندگان صالح خدا رو کردن و به آن‌ها درود فرستادن، سفر چهارم. تفاوت عرفا، در تعداد سفر و میزان مرتبتی است که در اسفار پیموده و یافته‌اند. البته هر مرتبت و هر سفر، اثری مخصوص و معرفتی ویژه و یقینی خاص به خود دارد که مرتبت بالاتر علاوه بر آن را دارد و مرتبت مادون کمتر از آن را. البته هر سالک در مراتب بالا از مراتب پایین‌تر خبردار است و سالک مانده در مرتبت پایین بی‌خبر از مراتب بالاست.

هر مرتبه‌ای از نماز نیز، اثر مناسب آن مرحله و یقین و معرفت مخصوص به آن مرتبه را داراست. اسرار نماز نیز مراتبی دارد که هر درجه‌ی بالا نسبت به پایین باطنی است و مستور، و هر مرتبه‌ی پایین نسبت به بالا ظاهری است و مشهود. آن‌که مراتب بالاتری از درجات کمالیه را در پرتوی نماز یافته است، چیزی را می‌داند و می‌یابد و می‌بیند که فروتر از او نسبت به آن بی‌خبر است.

کمال در پرتوی نماز حاصل می شود. یعنی این که انسان می تواند به کمال برسد؛ و بلکه به وصال که برتر از کمال است. کمال برتر از سر الهی، سر الهی برتر از حیات روحانی، حیات روحانی برتر از حیات ملکوتی، حیات ملکوتی برتر از حیات حیوانی و حیات حیوانی برتر از حیات نباتی است. و این عروج و صعود و شدن و از قطره به دریا پیوستن، تنها در پرتوی نماز حاصل می شود.

نماز و طهارت روح

نعت «طهارت» به صفات جلال پروردگار عالم برمی گردد. خدای بزرگ دو گونه صفت دارد: صفات جمال و صفات جلال. صفات جمال از صفات ثبوتی و برتری های وجودی حضرتش است و صفات جلال، از صفات سلبی به شمار می آیند که در آن ها زشتی ها و پلیدی ها را از وجود مبارکش دور می کند. «طهارت»، یعنی پاک کردن و زدودن و بنابراین، چیزهای ناپسند به وسیله ی این کار از شخص دور می شوند. خود طهارت از مظاهر صفات جلال آفریدگار بی همتاست. همان گونه که در ذات حضرت باری، صفات جمال و جلال هست، در بستر کردار هم، این خداوند است که چنین صفاتی را در خود دارد.

گروهی از صفات به جلال و جمعی دیگر به صفات جمال او برمی گردند و طهارت از مظاهر جلال است. نظافت یا طهارت برای پاک کردن به کار می آید که دو گونه است؛ طهارت یا حسنی است و نمای بیرونی انسان را صفا می دهد و غبارهای ناشایسته را می برد، یا معنوی است که درون انسان را جلا می دهد و آلودگی های روحی و رفتاری وی را از میان می برد [اخلاق و عرفان در وضو و نماز: ۱۶]. امام صادق (ع) فرمود: «لا صلاة الا بطهور» [جامع آیات و احادیث نماز، ج ۱: ۱۵۰].

پاک بودن بیرونی و درونی شرط لازم برای عبادت و بلکه بهره مندی از آثار و برکات عبادت، به طور اعم و نماز به طور اخص است. وضو واجبی است که با فهم دقیق و عمیق، و عمل به ظاهر و باطن آن می توان آماده ی سفری معنوی و معراجی روحی شد. چه این که نه ظاهر نماز را می توان بدون طهارت ظاهر انجام داد و نه به باطن نماز دست یافت بدون طهارت

باطن. خداوند کریم می فرماید: «لا یمسه الا المطهرون» [الواقعه/ ۷۹]: جز دست پاکان و فهم خاصان به آن نرسد.

مرتبیه ی ظاهری وضو، شستن و مسح کردن برخی از اعضای بدن با آب پاک است که پلیدی های ظاهری انسان مرتفع می شود. اما باطن وضو، تطهیر قلب و جان با آب تجلیات الهی است. همان گونه که آب نازل از آسمان، جسم آدمی را پاکیزه می سازد، آب تجلیات خداوند نیز که بر دل انسان نازل می شود، قلب و باطن او را تطهیر می کند.

نمازگزار با شستن صورت که وجهه ی ظاهری اوست، قلب خویش را که صورت باطن است، از توجه به ماسوی الله پاک می کند و با شستن دست ها، دست خویش را از گناهان و پیرایه های دنیا زدگی می شوید و با مسح سر و پا، خویش را از توجه به عالم طبیعت و رفتن به راه دنیا زدگی و گرفتار شدن در شهوات باز می دارد. مسح سر، فرو شستن کبر و غرور از سر و زدودن هر گونه یادی و خیالی و فکری جز در مورد حق است و مسح پا، زدودن تردید و تردد از گام نهادن در صراط حق.

در واقع وضو و طهارت برای این است که اعضا و قلب آدمی در تصرف شیطان یا نفس نباشد؛ نه ظاهر آدمی گرفتار پلیدی باشد و نه باطن او. ظاهر که گفته می شود، شامل نوع لباس و مکان و زمان نیز می شود. نقل از حضرت امام صادق (ع) است که فرمود: «به مؤمنین بگو، پوشید لباس اعدای مرا و نخورید هم چون دشمنان من و مشی نکنید هم چون دشمنان من تا دشمن من نشوید چنان چه آن ها دشمن من هستند» [آداب الصلاة: ۸۹]. غرض این که طهارت واقعی شامل چنین مواردی نیز هست. در مورد زمان و مکان نیز همان مواردی که در فقه به آن اشاره شده است، مثل غصبی نبودن مکان یا نماز نخواندن در وقت مرده، بلکه به وقت خواندن نماز و امثال آن نیز تماماً از همین قبیل هستند.

طهارت باطن نیز مربوط به زدودن هرگونه شرک و خودخواهی و دنیا طلبی و امثال آن است که در سطور آینده به آن ها اشارت خواهد رفت. امام رضا (ع) در باب وضو می فرماید: «به وضو امر شده است تا آن که بنده پاک شود، هنگامی که مقابل خدای جبار می ایستد و وقت مناجات کردن او، حق را برای آن که مطیع باشد در آن چه که او را امر فرموده است و پاکیزه از گناهان و نجاست باشد. گذشته از این، وضو

کسالت و خواب را از آدمی دور می‌کند و دل را برای قیام در حضور حضرت پروردگار پاکیزه می‌سازد.

اما این که وضو در دست‌ها و سر و پاها واجب گشته، به آن خاطر است که این اعضا در نماز به کار گرفته می‌شوند. با صورت سجده می‌کند و خضوع می‌نماید و با دست از ذات ذوالجلال سؤال می‌کند و در رحمت و معرفت او رغبت می‌نماید و با سر در رکوع و سجود به خدا رو می‌آورد و با پاها برمی‌خیزد و می‌نشیند [جامع آیات و احادیث نماز، ج ۱: ۱۶۱].

در روایتی از حضرت ختمی مرتبت (ص) نقل است که فرمود: «اولین تماسی که با آب پیدا می‌شود و آب را مضمضه می‌کند، شیطان از او دور می‌شود. خدا دل و زبانش را به حکمت نورانی می‌کند. وقتی در بینی آب می‌ریزد، خدا او را از آتش دوزخ امان می‌دهد و بوی بهشت را نصیبش می‌کند. آن‌گاه رستاخیز فرامی‌رسد و برخی چهره‌ها سفید و برخی دیگر سیاه می‌شوند، وضو گیرنده را خداوند سرفراز و رو سفید می‌کند. او که دست را می‌شوید، خداوند زنجیرها و پابندهای جهنم را بر او حرام می‌سازد. وقتی سر را مسح می‌کند، پلیدی‌های ناشی از گناه را از بین می‌برد. زمانی که پاها را مسح می‌نماید، خداوند پاهایش را بر پل صراط نمی‌لرزاند [اخلاق و عرفان در وضو و نماز: ۲۸].

و در حدیث است که: «وقتی نمازگزار هر دو دست را تا مرفق شست و شو می‌دهد، گناهان دو دست می‌ریزد. آن‌گاه که سر را مسح می‌کند، گناهان آن می‌ریزد. هنگامی که پاها را مسح می‌کند یا این که در مقام تقیه می‌شوید، گناهان پاها می‌ریزد» [همان، ص ۲۶].

به ظاهر نماز با طهارت ظاهر، به باطن نماز با طهارت باطن و به سر آن با طهارت سر می‌توان رسید. پس طهارت جسم و نفس و عقل و سر لازم و بلکه واجب است. رازیابی نماز بدون توجه به سر طهارت میسر نیست. نماز به کمال نمی‌رسد، جز برای نمازگزاری که دارای طهارتی همه‌جانبه و تمامیتی رسا باشد؛ نه دیگران را اغوا کند و نه خود از حق منحرف گردد. خدا را بشناسد، سر تسلیم فرود آورد، استقامت و ثبات در پیش گیرد، و بین نومیدی از رحمت خدا و طمع به رحمت او و میان شکیبایی و بی‌تابی ایستاده باشد. گویی وعده‌ی نیکوی

خدا برایش عملی شده و وعده‌ی عذاب بر او واقع گشته، مال و متاع خود را در راه خدا بذل نموده و هدف خود را از عبادت پیش رو قرار داده و در راه خدا خون خود را ارزانی کرده و در راه به سوی خداوند رو به او نموده است، و از ماسوای او رو می‌گرداند. در بینی بر خاک نهادن هیچ ناخوشایندی و کراهتی در دل ندارد، رشته‌های پیوند را از غیر آن کسی که او را قصد کرده و به سویش روانه شده و از او عطا و یاری طلبیده است، قطع می‌کند. پس چون چنین نمازی به جای آورد، این همان نمازی است که از فحشا و منکر باز می‌دارد [جامع آیات و احادیث نماز، ج ۱: ۱۶۲].

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. خمینی (ره)، امام روح الله، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ششم، خرداد ۷۸.
۳. خمینی (ره)، امام روح الله، چهل حدیث، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۸.
۴. سجاد (امام «ع»)، صحیفه سجادیه، ترجمه و نگارش جواد فاضل، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۳.
۵. شیخ صدوق، علل الشرایع، ترجمه و تحقیق سیدمحمد جواد ذهنی تهرانی، انتشارات مؤمنین، چاپ اول، ۱۳۸۰، قم.
۶. عزیزی، عباس، جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، انتشارات نبوغ، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۵.
۷. علی (امام «ع»)، غررالحکم و درر الکلم آمدی به صورت موضوعی، سیدهاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۸. قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، سازمان انتشارات حاج محمدعلی علمی، چاپ پنجم، ۱۳۶۶.
۹. کلینی، ثقة الاسلام، اصول کافی، با ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، بنیاد رسالت، زمستان ۱۳۶۴.
۱۰. گرامی، محمدعلی، اخلاق و عرفان در وضو و نماز، انتشارات احسن الحدیث، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶.
۱۱. مجلسی، علامه محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، مؤسسه الوفاء، بیروت، الطبعة الثانیة، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۲. ملکی تبریزی، حاج میرزا جواد، اسرار الصلاة، ترجمه رضا رجب‌زاده، انتشارات پیام آزادی، چاپ نهم، ۱۳۸۰.